

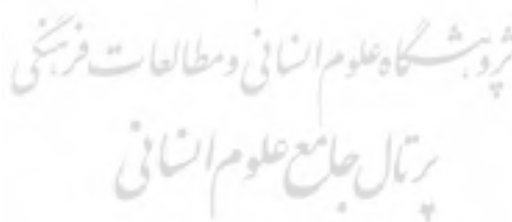
## Assessing the security impact of the presence of ISIS in Afghanistan on the Islamic Republic of Iran

Bahram Aslyzadeh<sup>1</sup>, Mohsen Radmehr<sup>2</sup>, Ali Esmailzadeh<sup>3</sup>

### Abstract

The Takfiri terrorist group "ISIS" as a branch of Al-Qaeda is one of the most radical extremist groups in the West Asia region, which announced its existence in the middle of 2013 and was quickly able to control significant parts of the territory of two important countries, Syria and Iraq. Finally, the territorial control of this "cancerous and deadly mass" ended in late 2017 with the liberation of the city of Bokmal in Syria. Following the defeat of ISIS in Arab lands, Afghanistan was considered as one of the most susceptible countries for the presence of ISIS terrorists. This research with a descriptive-analytical method tries to answer this basic question: What are the main factors influencing the rise of ISIS in Afghanistan and what are its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran? The findings of the research show that "Afghanistan's geopolitical situation", "Economic fields", "Ethnic and religious divides", "Structural weakness and central governance", "Saudi Arabia's interests as a supporter of ISIS", "American's proxy war against Iran" are the most important factors of the presence of ISIS in Afghanistan and also "fighting ISIS with Shiism", "the security threat of Iran's eastern borders", "the expansion of the influence of Saudi Arabia", "the implementation of the Iraqi-Syrian model in the east of Iran" are the most important effects of the presence of ISIS in Afghanistan on the national security of the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** *ISIS, Afghanistan, National Security, Islamic Republic of Iran.*



- 
- 1 - M.A student in Defense Management, Imam Hossein (as) Comprehensive University
  - 2 - Lecturer and Researcher at Imam Hossein (as) University for Training Military Officers and Guards
  - 3- Lecturer and Researcher at Imam Hossein (as) University for Training Military Officers and Guards

## تأثیر سنجی امنیتی حضور داعش در افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران

بهرام اصلی زاده<sup>۱</sup>، محسن رادمهر<sup>۲</sup>، علی اسماعیل زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

### چکیده

گروه تروریستی - تکفیری «داعش» به عنوان شاخه‌ای از جریان القاعده، یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های افراط‌گرا در منطقه غرب آسیا می‌باشد که در اواسط سال ۲۰۱۳م اعلام موجودیت کرد و توانست به سرعت بر بخش‌های قابل توجهی از خاک دو کشور مهم سوریه و عراق سیطره پیدا کند. سرانجام سیطره سرزمینی این «توده سرطانی و مهلک» در اواخر سال ۲۰۱۷م با آزادسازی شهر بوکمال در سوریه پایان پذیرفت. به دنبال شکست داعش در سرزمین‌های عربی، افغانستان به عنوان یکی از مستعدترین کشورها برای حضور تروریست‌های داعش، مورد توجه قرار گرفت. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که اساساً عوامل مؤثر بر قدرت‌یابی داعش در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان»، «زمینه‌های اقتصادی»، «شکاف‌های قومی و مذهبی»، «ضعف ساختاری و حاکمیت مرکزی»، «تأمین منافع عربستان سعودی به عنوان حامی داعش»، «جنگ نیابتی آمریکا علیه ایران» از جمله مهم‌ترین عوامل حضور داعش در افغانستان و «ضدیت داعش با تشیع»، «تهدید امنیتی مرزهای شرقی ایران»، «توسعه نفوذ عربستان سعودی»، «پیاپی‌سازی الگوی عراقی - سوری در شرق ایران» و ... از مهم‌ترین تأثیرات حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: داعش، افغانستان، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۲- مربی و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۳- مربی و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران.

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

پیدایش گروهی به نام «سلفیه جهادی» و «القاعده»، به طور مشخص به جریانی به نام «عرب-افغان‌ها» در دوران اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی سابق و جهاد افغانستان با ارتش سرخ شوروی در حدود سه دهه پیش (سال ۱۳۵۸-۱۳۶۷ ش) بازمی‌گردد. (هوشنگی و پاکتچی، ۱۳۹۰: ۴۷۹) در آن زمان اشغال افغانستان به عنوان مهم‌ترین کشور مسلمان آسیایی توسط کمونیسم برای اکثر مسلمانان جهان نگران‌کننده و خطرناک بود. از این رو جهاد مردم افغانستان برای بیرون راندن متجاوزین از خاک خود خیلی زود مورد حمایت مسلمانان و کشورهای جهان قرار گرفت. کشورهای عربی با «مقدس خواندن» این جنگ، تبلیغات وسیعی علیه دولت شوروی و حکومت وقت افغانستان به راه انداختند و در همین ارتباط کمک‌های مالی و نظامی فراوانی به چریک‌های نظامی درگیر جنگ ارائه کردند.

حضور مستقیم برخی از رهبران سلفی و جهادی کشورهای عربی همانند «عبدالله عزام فلسطینی»، «اسامه بن لادن عربستانی» و «ایمن الظواهری مصری» در افغانستان، از وقایع مهم دوران جهاد افغانستان به شمار می‌آید. حضور رهبران سلفی - جهادی عرب در افغانستان علاوه بر تشویق و سامان‌دهی نیروهای جهادی غیربومی، زمینه مناسبی نیز برای پیدایش جریان جهادی فراگیری به نام «القاعده» فراهم نمود.

تشکیلاتی شدن نیروهای جهادی بیرونی در کنار عوامل دیگر، از جمله پیوستن افرادی مانند ایمن الظواهری و پس از آن «زرقاوی» به القاعده، نقش مهمی در تقویت و پیشبرد اهداف آن داشت تا اندازه‌ای که در مدت کوتاهی، ده‌ها هزار نفر از مسلمانان کشورهای دیگر به این گروه پیوستند. گروه تروریستی - تکفیری «داعش» به عنوان شاخه‌ای از جریان القاعده، یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های افراط‌گرا در منطقه غرب آسیا می‌باشد. این گروه پس از آنکه از اواسط سال ۲۰۱۳م اعلام موجودیت کرد، توانست به سرعت بر بخش‌های قابل توجهی از خاک دو کشور مهم سوریه و عراق در منطقه غرب آسیا سیطره پیدا کند.

با درایت و جان‌فشانی‌های نیروهای محور مقاومت، سرانجام پایان سیطره این «توده سرطانی و مهلک» (تعبیر مقام معظم رهبری از داعش، ۱۳۹۶/۰۸/۳۰) در اواخر سال ۲۰۱۷م با سیطره نیروهای مقاومت بر بوکمال به عنوان آخرین قلعه داعش و پایین کشیدن پرچم این گروه و برافراشتن پرچم

سوریه، اعلام شد. به دنبال شکست داعش در سرزمین‌های عربی، گمانه‌زنی‌هایی پیرامون مقاصد بعدی و اعلام موجودیت دوباره این گروه تروریستی صورت گرفت. این گروه کماکان سودای حکمرانی بر «مشرق اسلامی» را دارد و به همین دلیل آسیای مرکزی، افغانستان و شبه‌قاره هند به عنوان اهداف احتمالی آینده این گروه تروریستی - تکفیری مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است.

در این میان افغانستان یکی از مستعدترین کشورها برای حضور تروریست‌های داعش به نظر می‌رسد. داعش در اوایل سال ۲۰۱۵م، تلاش‌های خود را برای فراهم ساختن جای پای در افغانستان آغاز کرد. افغانستان به عنوان همسایه شرقی جمهوری اسلامی ایران، بیشترین اشتراکات تاریخی، فرهنگی و تمدنی را بیش از هر کشور دیگری با جمهوری اسلامی ایران دارد. وجود بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک، زبان مشترک، فرهنگ و تاریخ مشترک، دین یگانه و سایر عوامل موجب اهمیت یافتن تحولات این همسایه شرقی برای ایران شده است. یکی از مهم‌ترین وجوه اهمیت افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران، مسئله امنیت است. نفوذ و سیطره داعش در افغانستان می‌تواند تأثیرات و تبعاتی جبران‌ناپذیری در حوزه‌های مختلف به ویژه امنیت ملی برای ایران به همراه داشته باشد. از این رو مقاله حاضر بر یافتن پاسخ به این پرسش تمرکز دارد که اساساً عوامل مؤثر بر قدرت‌یابی داعش در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

## ۲- چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

### ۲-۱- پیشینه‌شناسی پژوهش

محمدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «چگونگی شکل‌گیری و ممکن شدن داعش و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که داعش از جمله مهم‌ترین این گروه‌های تروریستی است که محصول قرن بیست و یکم است و مجموعه عوامل فوق در ایجاد و شکل‌گیری این گروه تروریستی دخیل هستند. داعش که در محدوده پر از تناقض و مسئله‌خاورمیانه به وجود آمده و ادعای حکومت و حکمرانی به طرق سلف را دارد، به طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت کشورهای این منطقه را تهدید می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به

عنوان یکی از کشورهای بزرگ منطقه، چه از جهت فکری و ایدئولوژیک و چه از جهت تعریف منافع، بیشترین تضاد را با این گروه تروریستی دارد. از این رو، حضور و وجود داعش در منطقه می تواند تأثیرات مختلفی بر تعریف امنیت از سوی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

چگنی زاده و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای گسترش حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» با تکیه بر روش دلفی به عنوان یکی از فنون شناخته شده در آینده پژوهی، تلاش کرده است تا با بهره گیری از نظرات نخبگان و کارشناسان برجسته مسائل افغانستان، ابعاد مختلف این مسئله را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. در راستای پاسخ به پرسش فوق، هفده نفر از کارشناسان مسائل افغانستان که از طریق روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند، طی چهار دور دلفی به پرسش های مطرح شده پیرامون ابعاد مختلف این مسئله پاسخ دادند که از میان ۱۹ پرسش در ۱۴ مورد اجماع حاصل گردید. یافته های مقاله حکایت از آن دارند که تقویت حضور داعش امنیت ملی ایران را در ابعاد داخلی و بین المللی مورد تهدید قرار می دهد. فرصت هایی مانند گسترش همکاری های فنی و اطلاعاتی یا ایجاد ترتیبات منطقه ای و بین المللی نیز در این میان متصور است، اما در قیاس با تهدیدهای مطرح شده قابل توجه نیستند. همچنین با توجه به تفاوت موجود در شکل و ماهیت حضور داعش در سوریه و افغانستان به نظر می رسد، نحوه مواجهه ایران نمی تواند و نمی بایست مشابه مورد سوریه باشد.

رادمهر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «بررسی جریان القاعده افغانستان؛ ماهیت، تبارشناسی و عقاید آن» به این نتیجه رسیده اند که جهاد بر علیه ارتش کمونیستی شوروی، باعث شد تا سه رهبر بزرگ سلفی در افغانستان با یکدیگر ائتلاف کرده و زمینه ساز پیدایش جریان جهادی فراگیری به نام «القاعده» شوند. ریشه ی تفکرات القاعده، بر بستر اندیشه ی سلفی استوار است و رهبران آن به طور خاص، بیشتر از تفکر حاکم بر جریان های اخوانی مصر تأثیر پذیرفته اند. همچنین این پژوهش با بررسی تفکرات رهبران القاعده به این نتیجه رسیده است که گسترش تفکر شیعه با راهبری و پرچم داری کشور شیعی ایران، همواره برای آنان خطر آفرین بوده و در پی دفع این خطر بوده و هستند.

سیمبر و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «چالش های امنیتی سیستان و بلوچستان به دنبال حضور طالبان و داعش در افغانستان» به این نتیجه رسیده اند که حضور گروه های تروریستی

طالبان و داعش در افغانستان می‌تواند منجر به تهدیدات اجتماعی همچون تغییر بافت جمعیتی، تحریک سنی‌های منطقه بلوچستان، تهدیدات اقتصادی شامل؛ تجارت بین استان با کشورهای منطقه، قاچاق مواد مخدر در بعد سیاسی ناامنی‌های در سطح کلان برای دولت ایران و در بعد محیط زیستی موجب تشدید بحران آبی برای استان شود.

محمودی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به عنوان «داعش در افغانستان، ماهیت، اهداف و چشم‌انداز آن» به این نتیجه رسیده‌اند که افغانستان بهترین مکان برای ادامه فعالیت این گروه می‌باشد. هماهنگی سیاست‌های داعش با اهداف برخی از کشورهای منطقه و همچنین کارکرد این گروه در رقابت قدرت‌های جهانی، زمینه مناسبی برای نفوذ داعش در افغانستان به وجود آورده است. وجود تفکر تحریف‌شده جهادی در میان گروه‌های تروریستی افغانستان، ورود داعش به این کشور را تسهیل می‌کند. نگارندگان اذعان داشته‌اند که البته گروه‌های افراط‌گرای افغان با داعش بر سر تکفیر شیعیان اختلاف نظر دارند. به اعتقاد آنان دیگر اختلاف داعش و این گروه‌ها بر سر قدرت است. به نظر می‌رسد تهدید داعش برای کشورهای هم‌جوار افغانستان، کشورهای مذکور را برای مقابله با تهدید این گروه به تشکیل ائتلافی هرچند نانوشته ترغیب کند.

عالیشاهی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دلایل حضور گروهک تروریستی - تکفیری داعش در افغانستان بر اساس تئوری دومینوی ویلیام بولیت» با استفاده از تئوری دومینوی ویلیام بولیت و بهره‌گیری از روش تحلیلی- توصیفی و کتابخانه‌ای درصدد ارائه پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین دلایل حضور داعش در افغانستان چه می‌باشد و در ادامه اینکه چنین حضوری از سوی داعش در افغانستان، با چه واکنش و رویکردهایی از سوی قدرت‌های منطقه پاسخ داده خواهد شد؟ به‌زعم نویسندگان مقاله، عواملی همچون کاستن از فشار وارده بر این گروه تکفیری در سوریه و عراق، برقراری ارتباط و همکاری با دیگر گروه‌های تکفیری، گسترش قلمرو خلافت اسلامی در آسیای مرکزی و در نهایت بستر مساعد کشت مواد مخدر و کسب درآمد سرشار از آن مهم‌ترین دلایل حضور داعش در افغانستان می‌باشد. آینده داعش در افغانستان با توجه به حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای همچون ج.ا.ایران، روسیه و چین از یک‌سو و طالبان در داخل افغانستان از سوی دیگر با چالش‌های عدیده‌ای همراه خواهد شد.

بشکنی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «افغانستان، تلاقی و تباین طالبان، حکمتیاری و داعش» با

اتکا به مباحث مفهومی مربوط به «بنیادگرایی و افراط‌گرایی» تلاش شده است ضمن بررسی و ارزیابی جریان افراط و سوابق فکری، سیاسی، نظامی و حوزه عملیاتی هریک از سه جریان طالبان، حکمتیار و داعش، واکاوی از تلاقی و تباین هر سه گروه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران ارائه شود. براین اساس به نظر می‌رسد یک نوع تلاقی در نظرات هر سه گروه به وجود آمده که بر ضد جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

## ۲-۲- تعریف مفاهیم نظری پژوهش

**داعش:** گروه تروریستی - تکفیری داعش در سال ۲۰۱۳ میلادی با نام «الدولة الإسلامية فی العراق والشام» توسط ابراهیم عواد ابراهیم البدری السامرائی معروف به ابوبکر البغدادی اعلام موجودیت کرد. این گروه که ابتدا به القاعده عراق مشهور بود، با کمک برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توانست بخش‌هایی از عراق و سوریه را به اشغال خود درآورد. این گروه تروریستی - تکفیری خسارات انسانی، اقتصادی و فرهنگی چشمگیری به بار آورد و همواره مدعی احیای خلافت اسلامی است.

**افغانستان:** جمهوری اسلامی افغانستان در آسیای میانه واقع شده است. پاکستان در جنوب و شرق، ایران در غرب، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی این کشور قرار دارند. افغانستان با حدود ۶۵۳ هزار کیلومتر مربع مساحت، چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است. جمعیت آن در سال ۲۰۱۳م به بیش از ۳۱ میلیون نفر رسید. فارسی دری و پشتو زبان‌های رسمی و اسلام دین رسمی این کشور است. وقوع بیش از سه دهه جنگ، افغانستان را به یکی از کشورهای خطرناک و فقیر دنیا تبدیل کرده است. (رادمهر و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶) ۹۹٪ مردم افغانستان مسلمان هستند که از این آمار حدود ۸۰-۸۹٪ آنان سنی، ۱۰-۱۹٪ شیعه و کمتر از ۱٪ پیرو دیگر ادیان را تشکیل می‌دهند. مذاهب دیگری چون هندو و سیک نیز در افغانستان پیروانی دارد. امروزه بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از پیروان مسیحیت در این کشور زندگی می‌کنند. (همان) تجاوز ارتش سرخ شوروی به افغانستان و آغاز جهاد ضد کمونیستی (۱۳۵۸-۱۳۶۷ ه.ش)، جنگ‌های داخلی نیروهای جهادی افغانستان (۱۳۶۷ ه.ش به بعد)، ظهور طالبان (۱۳۷۱ ه.ش) و القاعده (در طول دوران جهاد و زمان طالبان) و آغاز جنگ جامعه بین‌المللی به رهبری آمریکا علیه

این دو گروه (۱۳۸۰ ه.ش)، تسلط دوباره طالبان بر افغانستان (۱۴۰۰ ه.ش) از مهم‌ترین وقایع چند دهه اخیر در افغانستان می‌باشد.

**امنیت:** یکی از متداول‌ترین واژه‌هایی که از ابتدای پیدایش ادبیات در میان انسان‌ها رواج یافته است، مقوله امنیت است که شرط لازم برای ادامه حیات و رفاه جوامع بشری محسوب می‌گردد. واژه امنیت تعریف و معانی متعددی در ادیان و مکاتب علمی دارد که اکثر آنان دارای معنای واحد و قریب به هم است. «امنیت در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای در امان بودن، ایمنی و آرامش، آسودگی است و کلمه امن به معنای بی بیم شدن، بی ترس، اطمینان، آسایش قلب و ضد خوف است» (مرادیان، ۲: ۱۳۸۸).

در بررسی‌های صورت گرفته، تعاریف بسیار متعددی از مقوله امنیت به‌ویژه از منظر ملی توسط دانشمندان و نظریه‌پردازان معاصر صورت گرفته، لکن برای رسیدن به تعریفی واحد می‌توان نقاط مشترکی چون «حفظ جان مردم»، «حفظ تمامیت ارضی»، «حفظ توانمندی‌های اقتصادی و سیاسی»، «حفظ استقلال و حاکمیت کشور» را در کانون توجه قرار داد (نطاق پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۵).

**امنیت ملی:** واژه امنیت ملی در قرن بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شد. «امنیت ملی» مفهومی کم‌وبیش تازه است که «امنیت» را در چارچوب مرزهای ملی و متمایز با دیگر کشورهای جهان تعریف می‌کند و با پیدایش «دولت-ملت‌ها» یا «دولت‌های ملی» پدیدار شده است؛ مفهومی چندلایه که مباحث مربوط به آن در گذر زمان و در پاسخ به دگرگونی‌های جهانی، بسیار پیچیده شده است. از این‌رو، تلاش‌های زیادی جهت تعریف امنیت و به معنای دقیق‌تر، شناخت مفهوم و نهاد امنیت ملی صورت گرفته است. برخی معتقدند که زمانی در جامعه امنیت حاکم است که هیچ‌گونه تهدیدی نباشد؛ بنابراین، ناامنی را مبنای تحقیق قرار داده و چگونگی کنترل آن از طریق افزایش قدرت نظامی را مدنظر قرار داده‌اند. برخی دیگر امنیت ملی را مترادف با وضعیت صلح تعریف کرده‌اند و معتقدند که امنیت جنبه تأمینی دارد و فقدان تهدید نسبت به منافع ملی یک کشور، مساوی با امنیت است. علاوه بر این‌ها، برخی از اندیشمندان، مانند «گالتنگ»، مفهوم «امنیت اطمینان‌بخش» را مطرح کرده‌اند و امنیت را مترادف با ریشه‌کنی خشونت از جوامع انسانی دانسته‌اند. بنابراین، هر نظام سیاسی مهم‌ترین وظیفه خویش را ایجاد و حفظ امنیت



ملی دانسته و با هرگونه تهدید که امنیت آن را به خطر اندازد، به مقابله می‌پردازد؛ درواقع، دفع کردن خطرات توسط هر حکومتی، یک امر معقول، الزامی و شایسته است. چنانچه امنیت ملی را توانانی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی بدانیم یا به عبارت دیگر، امنیت ملی را عبارت از این بدانیم که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی اتخاذ می‌کنند (قربان پور، ۱۳۹۷).

### ۲-۳- مبانی نظری پژوهش

#### ۱-۲-۳- پیشینه تاریخی و بستر فکری داعش

«داعش» مخفف عبارت دولت اسلامی عراق و شام است. گروه تروریستی داعش در ابتدا از قلب گروه توحید و جهاد بیرون آمد؛ نهضتی مقاومتی که در سال ۲۰۰۳م و با هدف مقابله با تهاجم آمریکا علیه عراق پایه‌گذاری شد و به شاخه عراقی القاعده معروف بود (کسرایی و مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۰). شکل‌گیری و سازمان‌دهی القاعده و عراق توسط ابومصعب زرقاوی رهبر اردنی الاصل این گروه صورت گرفت که در ژوئن ۲۰۰۶م توسط نیروهای آمریکایی کشته شد. زرقاوی بعد از آزادی از زندان در اردن در سال ۱۹۹۹م رهبری بخشی از داوطلبان جهادی در افغانستان را به عهده داشت، اما در سال ۲۰۰۱م از این کشور به شمال عراق فرار کرد و در آنجا به گروه انصار الاسلام پیوست. زرقاوی در سال ۲۰۰۴م تشکیل القاعده را اعلام کرد و وفاداری خود به رهبری شبکه جهانی القاعده را بیان داشت (BrunoT, 2007). هنگامی که در سال ۲۰۰۶م ابومصعب به واسطه نیروهای آمریکایی و سازمان اطلاعات عراق کشته شد، ابویوب المصری (در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶) به عنوان رهبر جدید این گروه انتخاب شد؛ به عبارت دیگر داعش شکل گرفته و جدا شده از القاعده عراق است که شامل شورای مجاهدین و جندالصحابه می‌باشد (Freemen, 2014).

ابویوب المصری و ابو عمر بغدادی دو رهبر اصلی «دولت اسلامی عراق» بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰م در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند (Aaron, 2014)؛ و ابوبکر البغدادی که اصالتاً عراقی است یک ماه پس از کشته شدن المصری (و ابو عمر البغدادی) به دست نیروهای آمریکایی و عراقی به عنوان رهبر گروه انتخاب شد. سپس وی گروه داعش را در آوریل ۲۰۱۳م به صورت رسمی و همراه شعار و پرچم آن اعلام کرد (Joscelyn, 2013)؛ اما در میانه جنگ

داخلی سوریه، این گروه با گروه جبهه النصره متحد شده و با سودای تشکیل حکومتی بر مبنای شریعت در منطقه شام و عراق فعالیت خود را ادامه داد (مستوفی، ۱۳۹۳: ۴۸). در آغاز سال ۲۰۱۲ زمانی که جدایی گروه‌های معارض از نظام سوریه گسترش یافت، گروه جبهه النصره «به رهبری ابو محمد الجولانی» ترمز خود را از داعش اعلام و با ایمن الظواهری رهبر القاعده بیعت کرد (عطوان، ۲۰۱۵: ۶۰).

داعش در اوایل سال ۲۰۱۴م فعالیت خود را با ورود به منطقه فلوجه (عراق) متمرکزتر کرد؛ و در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴م (۲۰ خرداد ۱۳۹۳)، با حرکت از شهر رقه و عبور از مرز عراق، موصل مرکز استان نینوا و دومین شهر عراق را به تصرف درآورد و در ۲۹ ژوئن رهبر شورشیان ابراهیم ابن عواد ابن علی ابن محمد البدری معروف به ابوبکر البغدادی با ادعای تأسیس خلافت عملاً خود را خلیفه خواند (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۷) و رسماً دولت اسلامی عراق و شام تأسیس و به واقعیت تبدیل گشت. بعضی از محققان معتقدند بنیان فکری داعش ناشی از پشتوانه فکری رادیکالی در تاریخ اسلام است که ریشه‌های آن به خوارج، اولین بنیان‌گذاران اندیشه رادیکالی در تاریخ اسلام در قرن اول هجری، بازمی‌گردد (نافع، ۲۰۱۴: ۹۱). بعد فقهی این نوع اندیشه تکفیری را می‌توان در اندیشه فقهی احمد ابن حنبل (یکی از چهار ائمه اهل سنت) یافت (البکری، ۲۰۱۵: ۳۷). اندیشه افراط‌گرایی با فتوای احمد بن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ م) شدت بیشتری گرفت. فتوای وی مدجعی برای توجیه تشدد و افراط و غلو است. با گذشت حدود ۷ قرن از صدور این فتواها هنوز بین فقهای مسلمان جدل آفرین‌اند؛ چراکه گروه گسترده‌ای از علما چنین فتوایی را منتشرکننده تفکر افراط‌گر دانسته‌اند و نتیجه آن را چیزی می‌دانند که امروزه به نام تروریسم مشهور است. در تمام مناطق تحت تصرف داعش در سوریه و عراق، عبارتی از ابن تیمیه خودنمایی می‌کند «قوام الدین بکتاب یهدی و بسیف ینصر» پایداری دین به قرآن هدایت‌گر و به شمشیری است که این دین را یاری می‌رساند (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳).

ابن تیمیه تأثیر بزرگی بر حرکت‌های اسلامی و جریان‌های سلفی جهادی گذاشته است که القاعده و داعش از نتایج این نوع تفکر افراطی است که عمل به نص قرآن و روایات را بر عقل برتری می‌دهد. تفکر ابن تیمیه ۶ قرن بعد از وفاتش در عقیده وهابی‌گری بازتولید شده است و حتی طرفداران وهابیت، ابن تیمیه را پدر معنوی خود می‌دانند. وهابیت بر این اساس شکل گرفت

که مسلمانان بعد از وفات ابن تیمیه به مدت ۶ قرن در گمراهی زیستند تا اینکه محمد بن عبدالوهاب ظهور کرد؛ کسی که به اعتقاد پیروانش دعوت به اسلام را احیا و مردم را به عقیده درست رهنمون ساخت. این عقیده برای رسیدن به هدفش تفکر جهاد را روش برپایی دولت اسلام یا خلافت می‌داند (Diemen, 2015: 1-2). زمینه‌های فکری داعش برآمده از پس‌زمینه قطب‌اخوانیه است که مسائل حاکمیت و خلافت را بر پایه تفکرات آن‌ها ایجاد کرده‌اند (مناع، ۲۰۱۵: ۱۵).

جریان‌های سلفی جهادی که در عراق و سوریه فعالیت می‌کنند، محصول تفکر اعتقادی همان جریان سلف هستند. در این بین باید بین سلفیت تکفیری و جهادی تفاوت‌هایی قائل شد و باید این دو را از یکدیگر تفکیک کرد. البته همه آن‌ها تکفیری هستند ولی در اینجا دو بخش وجود دارد؛ نخست، تکفیری سنتی که خاستگاه آن‌ها در عربستان است و گروه جهادی تکفیری که خاستگاه آن‌ها در مصر است. این گروه اخیر وارد جریانات سیاسی شده‌اند و به دنبال عملی کردن اعتقادات خود در جامعه هستند که همه این جریانات نشأت گرفته از اعتقادات خشک و خشن آن‌هاست. چشم‌انداز این گروه، رسیدن به خلافت اسلامی است، زیرا همیشه نیز عنوان می‌کنند که به دنبال ایجاد خلافت را شده هستند؛ هم القاعده و هم داعش به دنبال این هدف هستند زیرا داعش امتداد القاعده است که البته همیشه حمایت مالی و سیاسی استعمار را نیز با خود دارد (پارسا، ۱۳۷۸: ۱۲). دعوت به تکفیر جوامع و حکم به ارتداد جوامع و حکم به ارتداد مسلمانان، از آغاز ۱۹۹۹ از مساجد عراق و به دست شیخ مفتی عبدالملک شروع شد. وی متأثر از راه تجدید در عربستان و دعوت به توحید شیخ محمد عبدالوهاب و فرزندان و نوادگانش بود. نتیجه قرائت فردی وی از مشایخ نجد و حجاز، واجب کردن احکام تکفیری بر خود و پیروانش بود. وی عراق را دیار کفر نامید و خود و همراهانش را به واجبات و مستحبات شرعی در راستای اصلاح این جامعه فراخواند. (الهاسمی، ۲۰۱۵: ۱۰۷) استفاده از تمایزاتی دوگانه نظیر جنگ صلیبی/جنگ مقدس، دارالایمان/دارالکفر، انحراف/اصالت، جاهلیت/دیانت و مداومت در بیان این مفاهیم با هدف نوعی حد‌گذاری برای تکفیر در مجله دابق دیده می‌شود (کشور، ۱۳۹۵: ۸).

## ۲-۳-۲- داعش در افغانستان

داعش که به عنوان یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های افراط‌گر به شمار می‌رود، توانست در دوره‌ای به سرعت بخش‌های قابل توجهی از سوریه و عراق را تحت کنترل خود درآورد. پس از عراق و سوریه، جدی‌ترین تلاش‌های این گروه معطوف به فراهم ساختن جای پای در افغانستان بوده که در زمستان ۱۳۹۳ آغاز شد. در ابتدا هسته‌های وابسته به داعش از جنگجویانی تشکیل شد که پیش‌تر در گروه طالبان عضو بودند. این هسته‌ها توانستند در همان ابتدا مناطق کوچکی از شرق افغانستان را تصرف کنند (Katzman and Thomas, 2017: 20). این هسته مورد حمایت خلافت مرکزی که در عراق و سوریه بود، قرار داشتند (Gordon, 2015). رویکرد حضور در افغانستان از سوی داعش در سال ۲۰۱۵ و با گسترش روزافزون قدرت داعش در غرب آسیا رنگ و بوی واقعی‌تری به خود یافت. در ابتدای کار، داعش با توزیع نوشته‌هایی که در بین آن تبیین اهداف، عقاید و اندیشه‌های خویش صورت پذیرفته بود، در قسمت‌های مختلف افغانستان، به ویژه نقاطی که پتانسیل بیشتری برای پذیرش داشتند، سعی در ایجاد نوعی مشروعیت و مقبولیت در میان مردم افغانستان داشت. در گام بعدی، داعش با ترسیم ژئوپلیتیک خویش در آسیای مرکزی و تحت عنوان «ولایت خراسان» نشان داد که برنامه‌ای جامع در راستای نفوذ به افغانستان دارد. این برنامه جامع گرچه در ابتدا با استقبال برخی از رهبران طالبان مانند ملا عبدالرئوف خادم و یا «میر ویس» مواجه شد؛ لکن برخی دیگر از زعمای طالبان از هرگونه بیعت با داعش امتناع کرده و به تقابل با آن پرداختند و شرایط تا درگیری‌های نظامی پراکنده در افغانستان میان نظامیان طالبان و داعش پیش رفت (Fawaz, 2014: 340).

ولایت خراسان اعلامی از سوی آن گروه قسمت‌های بزرگی از ایران، شبه‌قاره، افغانستان و جمهوری‌های مرکزی را در برمی‌گرفت. ابو محمد العدنانی سخنگوی گروه داعش با اعلام تشکیل (ولایت خراسان) اعلام کرد این منطقه بخشی از «مرزهای» این گروه خواهد بود (Rafiq, 2015). در واقع این نخستین بار بود که داعش منطقه‌ای دور از محل حضور اصلی خود را به عنوان «ولایت تابعه» اعلام کرد. از جمله شرط‌هایی که برای قبول بیعت گروه‌های دیگر با رهبر داعش وجود داشت این بود که گروه داوطلب بتواند کنترل یک منطقه را در دست داشته باشد. در پیامی ویدیویی العدنانی، «حافظ سعید خان» به عنوان «والی خراسان» و همچنین «ملا

عبدالرئوف خادم» ملقب به «ابوطلحه» به عنوان معاون والی خراسان معرفی شد.

ملا عبدالرئوف خادم، فرمانده سابق طالبان در ولایت هلمند افغانستان، نخستین فرمانده طالبان بود که بیعت خود با ابوبکر البغدادی، سرکرده داعش را اعلام و در برخی از مناطق افغانستان اقدام به جذب عناصر برای داعش کرد. از او به عنوان نخستین سرکرده داعش در افغانستان که داعش آن را «ولایت خراسان» نامیده، یاد می‌شود. او پس از اشغال افغانستان شش سال در گوانتانامو زندانی بود. پس از آزادی بار دیگر به طالبان پیوست و تا معاونت ملا عمر پیش رفت. بروز برخی اختلافات با ملا عمر، او را به سمت داعش سوق داد و موجب شد، سرکردگی داعش در افغانستان به وی سپرده شود، اما زعامت وی دوامی نداشت و طی عملیاتی کشته شد (Byrne and Khan, 2015: 2). پس از ملا عبدالرئوف خادم، «حافظ واحدی»، عهده‌دار فرماندهی داعش در افغانستان شد، لکن پس از یک ماه وی نیز در ولایت هلمند کشته شد. با کشته شدن حافظ واحدی، «حافظ سعید» رهبر طالبان در منطقه «اورکزی» پاکستان، به عنوان رهبر جدید گروه تروریستی تکفیری داعش در افغانستان و پاکستان سرکردگی داعش را به دست گرفت و تعدادی از طالبان در افغانستان با وی بیعت کردند. آنچه که در این میان و در گام نخست مهم و جالب توجه به نظر می‌رسد، تطور و استحاله برخی از اعضا و رهبران طالبان در گسست از این گروه و پیوستن به داعش می‌باشد. به دیگر سخن، جذابیت داعش برای برخی از طالبان تا آنجا بود که در نوارهای ویدیویی و صوتی به جهل خویش در رابطه با طالبان معترف گردیدند. برخی از مهم‌ترین دلایل پیوستن برخی از اعضای طالبان به داعش را می‌توان موارد ذیل دانست:

- تنش‌های روزافزون میان رهبران طالبان، تشتت آراء پس از مرگ بن‌لادن و ملا عمر (Jenkins, 2011: 3).

- اقتصاد قدرتمند داعش در مقایسه با طالبان که از حاصل از فروش نفت، غنائم جنگی، مبادله اسرا و گروگان‌ها در قبال دریافت مبالغ کلان بود؛

- بیعت سایر گروه‌های افراط‌گرای اسلامی آفریقا مانند «بوکو حرام» نیجریه و جنبش «الشباب» سومالی با داعش؛

- رویای تحقق ولایت خراسان (Visser and Popalzai, 2016: 3).

در ابتدا دو منطقه به عنوان مراکز اصلی داعش مطرح بود. نخست، بخش کجکی در استان

هلمند و دوم، مناطق شرقی ولایت ننگرهار. آن‌ها در فاصله بهار و تابستان سال ۲۰۱۵ محدود شده و تحت کنترل خود در ولایت ننگرهار را گسترش داده و سپس عملیات تروریستی خود را سازمان‌دهی نمودند (Johnson, 2016:1).

داعش طی دوره حضور خود در افغانستان، سعی کرد تا ضمن عضوگیری از میان جنگجویان بریده از طالبان، مردم عادی و جوانان افغان را نیز جذب نماید. به رغم اینکه اقبال چندانی به داعش از سوی قاطبه مردم وجود نداشته است، نمی‌توان منکر عضوگیری این گروه در افغانستان شد. بلکه برخی از سازمان‌های افراطی منطقه که در گذشته متحد طالبان بودند و خودشان را زیرمجموعه القاعده تعریف می‌کردند نیز به داعش پیوستند. «حرکت اسلامی ازبکستان» یکی از این سازمان‌هاست. این سازمان به رهبری «طاهر یولداش» متحد دیرینه طالبان بود. این گروه از دیرباز قصد داشت جنگ را به آسیای مرکزی بکشاند، اما طالبان می‌خواهد جنگ در افغانستان محدود بماند تا قلمرو بیشتری به دست بیاورند. حرکت اسلامی ازبکستان، ظاهراً از این موضع طالبان دلسرد شده و به داعش اعلام وفاداری کرده است. داعش علاقه مند است به محض آنکه توانست، دامنه درگیری‌ها را به آسیای مرکزی بکشاند و در این راستا گروه‌هایی که ریشه در آن منطقه دارند، نامزدهای خوبی برای حمایت هستند. گروه «انصارا... تاجیکستان» و «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» که برخاسته از ایالت سین کیانگ چین است نیز از متحدان حرکت اسلامی ازبکستان به شمار می‌آیند. ذکر این نکته ضروری است که اتحاد و ائتلاف میان این گروه‌ها پایدار نیست و وفاداری‌ها می‌تواند به سرعت تغییر کند (چگنی زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۴).

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی و از نظر روش پژوهش در زمره مطالعات توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری مطالب و اطلاعات موردنیاز نیز، از طریق مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها، مجله‌ها و مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های نوشته شده در خصوص موضوع پژوهش و مباحث مرتبط با آن می‌باشد. در این پژوهش از ابزارهای فیش‌برداری، سند خوانی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده شده است.

## ۴- یافته‌های پژوهش

### ۴-۱- متغیرهای تاثیرگذار بر ظهور و گسترش داعش در افغانستان

پروژه داعش در چارچوب اهداف راهبردی قدرت‌های خارجی و برخی از کشورهای منطقه شکل گرفته است. بر اساس چنین برداشتی افغانستان و پاکستان مقصد نهایی داعش نیست و این گروه در راستای اهداف راهبردی قدرت جهانی، سه منطقه اصلی را برای توسعه نفوذ در نظر گرفته است. در نقشه جاه‌طلبانه‌ای که داعش چاپ کرده است، افغانستان و همچنین پاکستان گذرگاه عبور و سکوی پرش آتی نیروهای این گروه به سوی نواحی مجاور محسوب می‌شوند. در این چارچوب هدف نهایی داعش نفوذ به جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی، چین و هندوستان است. در حقیقت هدف داعش تبدیل بخش‌هایی از افغانستان و پاکستان به آن چیزی است که در برخی از منابع از آن به نام «کانون ثانوی انتشار» یاد شده است (تابناک، ۱۳۹۴).

#### ۴-۱-۱- موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان

افغانستان از جایگاه ژئوپلیتیک بسیار مهمی برای تحقق اهداف گروه تروریستی داعش برخوردار است. افغانستان به لحاظ جغرافیایی پل ارتباطی آسیای مرکزی و شبه‌قاره هند است. این کشور از یک سو با چین هم‌مرز است. پاکستان، همسایه مهم افغانستان است. هم‌مرز بودن افغانستان با پاکستان برای گروه داعش بسیار مهم است. از آنجا که نیروهای بنیادگرای تربیت شده در مدارس پاکستان با سختی‌های زیادی در آن کشور مواجه هستند، زمینه مساعدی برای سربازگیری داعش فراهم خواهد بود. همچنین داعش در جنگ و گریزهای احتمالی با طالبان یا دولت مرکزی افغانستان تا حد زیادی می‌تواند از کمک لجستیکی و نیز عقبه استراتژیک سرزمینی در مناطق قبایلی پاکستان برخوردار باشد. از جمله این مناطق، حوزه خط مرزی «دیورانند» بین افغانستان و پاکستان است که مناطق قومی پشتون در هر دو سوی آن امتداد دارند. مناطق شرقی افغانستان در امتداد کوه‌های هندوکش از بیرون تسخیرناپذیر هستند و به دلیل استقرار گروه‌های چریکی در آن به ژئوپلیتیک افراط‌گرایی معروف شده است؛ همین ویژگی‌ها است که رهبران داعش را برای حضور در افغانستان و مناطق قبایلی پاکستان مصمم تر کرده است (نوائی، ۱۳۹۳).

دیگر همسایه مهم افغانستان، ایران است. یکی از اهداف اصلی داعش از حضور در افغانستان،

تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران و ناامن سازی مرزهای شرقی آن است. ایران به عنوان کشوری با اکثریت ساکنان شیعه مذهب و جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام سیاسی که در اتحاد با نظام حاکم در سوریه و عراق و در تعارض با گروه‌های تروریستی از جمله داعش عمل کرده است؛ از این رو، گسترش حضور یا تثبیت موقعیت داعش در افغانستان می‌تواند ضریب تهدیدات تروریستی را علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران افزایش داده و کشورمان را در مرزهای شرقی با این گروه تروریستی درگیر کند. ازبکستان و تاجیکستان دیگر همسایه‌های افغانستان هستند. یکی از مهم‌ترین اهداف داعش برای تقویت حضورش در افغانستان، گسترش دامنه عمل گروه‌های تروریستی به جمهوری‌های آسیای مرکزی است.

نیروهای سلفی که از جمهوری‌های آسیای مرکزی یا روسیه به داعش پیوسته‌اند از مهم‌ترین نیروهای داعش محسوب می‌شوند و نقش بسیار پررنگی در موفقیت‌های نظامی این گروه در سوریه و عراق داشته‌اند. گفته می‌شود یکی از اصلی‌ترین مطالبات این نیروها از رهبران داعش، گسترش دامنه عملیاتی نظامی به کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه است. در شرایطی که روسیه، نقش پررنگی در حمایت از حکومت‌های سوریه و عراق و اعطای کمک‌های نظامی و مستشاری به آن‌ها برای جنگ با داعش داشته، این رویکرد داعش می‌تواند روسیه را در منطقه آسیای میانه و حتی داخل کشور خود با مشکلات امنیتی جدی مواجه نماید. همسایگی افغانستان با آسیای مرکزی جاذبه این کشور را برای داعش دوچندان کرده است. دره فرغانه برای گروه‌های چریکی از اهمیت خاصی برخوردار است. به گفته سرهنگ توی دانلی، استاد دانشگاه پنتاگون، اگر ازبکستان به جای روسیه به غرب گرایش پیدا کند، دره فرغانه به مانند اوکراین، به منطقه رویارویی شرق و غرب تبدیل خواهد شد (طائی، ۱۳۹۳). وجود گرایش‌های افراطی مذهبی در این دوره که بین تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان قرار دارد به تحقق اهداف راهبردی داعش در آسیای مرکزی کمک می‌کند.

گروه تروریستی داعش درصدد نفوذ به آسیای مرکزی با استفاده از دو مسیر استراتژیک می‌باشد تا به کشورهای تاجیکستان، قرقیزستان و دیگر کشورهای این منطقه راه یابد. معبر نخست «دانگام» ولایت ننگرهار و «کامدیش» ولایت نورستان و در ادامه رسیدن به بدخشان است و معبر دیگر، مسیر هلمند، گلستان، فراه و پس از آن به سمت کوهستان ولایت «غور» و در نهایت ولایت



«فاریاب» می‌باشد و در حال حاضر گروه تروریستی داعش از همین دو مسیر خود را به آسیای مرکزی رسانده است (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

#### ۲-۱-۴- زمینه‌های اقتصادی

مواد مخدر و همچنین معادن غنی افغانستان به داعش برای نفوذ در افغانستان، انگیزه اقتصادی داده است. داعش بر اساس تجربه تصرف منابع نفت در عراق و سوریه، امیدوار است تا با تسلط بر مناطقی از افغانستان که در آن‌ها کشت مواد مخدر رونق دارد و یا معادن فراوانی شناسایی شده است به منبع مالی قابل توجهی دست یابد. بر اساس گزارش دفتر جرائم و مواد مخدر ملل متحد، بیش از ۸۹ درصد مواد مخدر افغانستان در نُه ولایت افغانستان و به طور عمده در مناطق جنوبی و غربی این کشور کشت می‌شود. این مناطق دقیقاً مناطقی است که برای داعش و سایر گروه‌های تروریستی نیز جذابیت دارد.

بخش قابل توجهی از چرخه شورش و تروریسم در افغانستان از طریق تولید، فرآوری و قاچاق مواد مخدر یا اخذ مالیات، حق عبور یا عُشر تأمین می‌شود. گردش مالی حاصل از این فرآیند چیزی حدود هشتصد و پنجاه دلار تخمین زده شده است (UNODC, 2014: 7).

به همین دلیل، اولین حضور داعش در هلمند افغانستان گزارش شده که نمود درصد کشت خشخاش افغانستان در آن متمرکز است. ارزش ذخایر و معادن افغانستان غیر از نفت و گاز، حدود سه هزار میلیارد دلار برآورده شده است. داود شاه، وزیر سابق معادن افغانستان، داعش را تهدیدی جدی برای صنعت نوپای معدن در افغانستان دانسته است. به گفته وی، سالانه ۳۰۰ میلیون دلار از ذخایر معدنی افغانستان به پاکستان قاچاق می‌شود (صلصال، ۱۳۹۴).

سنگ‌های قیمتی، مس، زغال سنگ و اشیاء باستانی و تاریخی فراوان در کنار پدیده قاچاق انسان و اعضاء بدن، اقلام و اقداماتی هستند که می‌توانند منابع مالی خوبی برای داعش فراهم نمایند.

#### ۳-۱-۴- شکاف‌های قومی و مذهبی

در افغانستان جریان افراط‌گرایی مذهبی جاذبه ایدئولوژیک دارد. خشونت در فرهنگ بومی و ساختار اجتماعی قبایل افغانستان امری پذیرفته شده است. داعش به خشونت رنگ و لعاب

مذهبی داده است که مردم ساده‌دل، بی‌سواد و ناآگاه در افغانستان را به سوی خود جذب می‌کند. دیدگاه‌های فراملی داعش هم مورد توجه نسل جوان افغانستان قرار گرفته است (موسوی مبلغ، ۱۳۹۳).

از جمله مهم‌ترین اهداف داعش در افغانستان، تشدید شکاف‌های قومی - مذهبی در این کشور است. جامعه متکثر و کم‌تحمل افغانستان استعداد بالایی برای فعال شدن اختلاف‌های قومی مذهبی دارند.

#### ۴-۱-۴- ضعف ساختاری و حاکمیت مرکزی

جامعه افغان از قبایل و طوایف متنوعی تشکیل شده است. این قبایل عمدتاً رقیب، تاکنون از شکل‌گیری یک دولت و حکومت قدرتمند مرکزی و تشکیل دولت - ملت جلوگیری کرده‌اند. داعش از همین شرایط بهره‌برداری می‌کند و در افغانستان نیرو جذب می‌کند. بی‌سواد گسترده، فقر، شکاف‌های عمیق اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی، ناتوانی دولت در برآورده کردن اساسی‌ترین نیازهای مردم، فساد گسترده حکومتی و همچنین ضعف دستگاه‌های دولتی در تأمین امنیت مردم افغانستان موجب نارضایتی شده و فضا برای نفوذ ضد حکومتی مساعد ساخته شده است. با اندکی دقت می‌توان دریافت که دولت مرکزی افغانستان در حل و فصل چالش‌های موجود میان قومیت‌های مختلف افغانستان، مسئله شیعه و مسائل بسیار دیگر، انگیزه داعش برای حضور در افغانستان را تشدید نموده است (Zelin, 2014: 2).

#### ۴-۱-۵- تأمین منافع عربستان سعودی

عربستان سعودی با اتکا به منابع عظیم مالی، مدت‌ها است که برای اشاعه تفکر سلفی-وهابی در سراسر جهان و به ویژه در پاکستان و افغانستان تلاش می‌کند. تأمین هزینه هزاران مدرسه دینی در افغانستان، عینی‌ترین نمونه از تلاش عربستان سعودی در این مورد است. دخالت اعراب در جهاد افغانستان که به شکل‌گیری طالبان و القاعده منجر شده و در روند طبیعی به داعش رسیده از حمایت ایدئولوژیک و مالی عربستان سعودی برخوردار است. عربستان سعودی با استفاده از داعش درصدد است کمر بند سیاه سنی (در برابر ایده کمر بند سبز شیعی) به دور ایران بکشد تا بدین وسیله تأثیر تفکر انقلاب اسلامی را محدود سازد و با آن مقابله نماید.

در سال‌های اخیر و به ویژه پس از آنکه عراق، سوریه، یمن و بحرین تحت تأثیر روند «بیداری اسلامی» یا آن‌طور که غربی‌ها می‌گویند «بهار عربی» دچار تحول شدند، بدگمانی رهبران سعودی به ایران افزایش یافته است. آن‌ها معتقدند که ایران با نفوذ در میان جمعیت‌های شیعه در کشورهای عرب، در صدد است تا تفکر انقلاب اسلامی خود را به خاورمیانه صادر کند. بر همین اساس، عربستان سعودی از طریق نفوذ در کشورها و جمعیت‌های اهل سنت در پاکستان و افغانستان و احتمالاً در داخل ایران، قصد مقابله به‌مثل دارد (رمضانی بونش، ۱۳۹۴).

تجربه جنگ در سوریه و عراق نشان داد، در سطح جهانی و منطقه‌ای، اراده سیاسی لازم برای شکست داعش وجود ندارد. برخلاف کشورهای دیگری که در ظاهر با داعش در خاورمیانه مقابله می‌کنند، مقابله جمهوری اسلامی ایران با داعش واقعی است و ریشه‌های عمیق ایدئولوژیک دارد. این‌که محافل منطقه‌ای و جهانی هوادار داعش پس از توافق هسته‌ای، تبلیغات منفی گسترده‌ای علیه ایران به راه انداختند، بی‌ارتباط با این واقعیت نیست. با شکست داعش در سوریه و عراق پیش‌بینی می‌شود حامیان داعش برای اهداف راهبردی خود، جنگ نیابتی با ایران را در مرزهای شرقی از طریق افغانستان و پاکستان ادامه دهند. از این‌رو حضور داعش در افغانستان و پاکستان را باید پروژه پیچیده‌تری از آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد در نظر گرفت (محمودی و ملازهی، ۱۳۹۵: ۱۲۹).

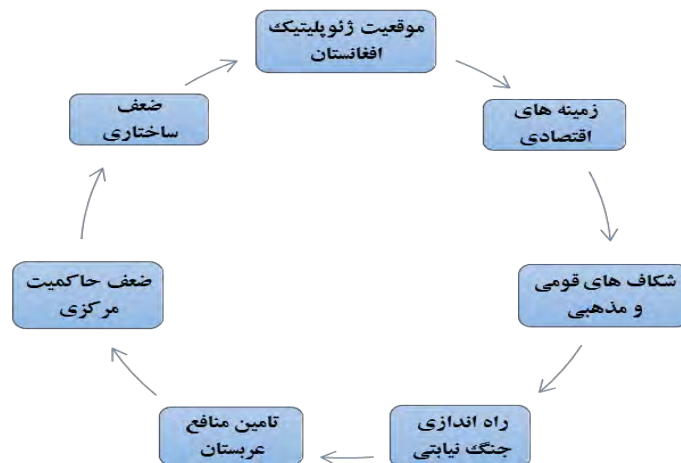
#### ۶-۱-۴- جنگ نیابتی آمریکا علیه ایران

تضادهای بنیادین ایران و آمریکا، داعش را باحالت خصمانه با ایران نگاه می‌دارد که بخشی از جنگ نیابتی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن علیه ایران اسلامی محسوب می‌شود. از منظر ایدئولوژیک، داعش، شیعه را خارج از اسلام و هدف اصلی خود را نابودی شیعه می‌داند (قربانی، ۱۳۹۴). بدین ترتیب در بلندمدت برخورد با ایران، بخشی از وظیفه ایدئولوژیک داعش خواهد بود.

داعش به آمریکا کمک می‌کند تا:

الف: ایران را در مرزهای جنوب شرقی درگیر بحرانی فرسایشی کند.

ب: سیاست ایران در افغانستان را که تاکنون موفق بوده است به شکست کشاند.



نمودار ۱- متغیرهای تاثیرگذار بر ظهور و گسترش داعش در افغانستان

#### ۴-۲- تأثیر حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی ج.ا. ایران

افغانستان بیش از چهار دهه است که درگیر فراز و فرود سیاسی و امنیتی است. هرروزه گزارش های متعدد از حمله به مراکز دولتی، فتح یک یا چند شهرستان توسط نیروهای معارض دولت و آدم ربایی یا ترور منتشر می شود. همچنین تولید مواد مخدر بر اساس خوش بینانه ترین گزارش ها نسبت به سال ۲۰۰۱ نزدیک به ۳۵ هزار برابر شده است (Bjelica, 2020).

با توجه به این شرایط حضور گروهک تروریستی تکفیری داعش در اطراف مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات امنیتی بسیاری را برای کشورمان به همراه دارد که در ذیل به آن اشاره می شود:

##### ۴-۲-۱- ضدیت با تشیع

از نظر داعش نزاع های مذهبی تنها راه خالص سازی جهان اسلام است. این گروه ضدیت با تشیع را جایگزین ضدیت با غرب کرده است. داعش، تشیع و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان دشمن و مخالف موجودیت خود می داند. مبارزه جدی ایران با این گروه و حمایت از دولت قانونی سوریه به منظور حفظ محور مقاومت ضد صهیونیستی در منطقه، امروز بیش از هر زمان دیگر آشکار است. در صورت حضور جدی تر داعش در افغانستان، بی تردید یکی از سیاست های این گروه انجام اقدامات تروریستی علیه گروه های سیاسی و مذهبی نزدیک ایران به ویژه شیعیان

افغانستان خواهد بود. شیعیان افغانستان از سویی به دلیل تعلق به مذهب تشیع و از سوی دیگر به عنوان نزدیک‌ترین گروه مذهبی در افغانستان به جمهوری اسلامی ایران به احتمال زیاد نخستین هدف داعش توسط این گروه خواهند بود. افزایش فشار به این جریان‌ها موجب افزایش هزینه‌ها و آسیب‌ها علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

## ۲-۲-۴- تهدیدات امنیتی مرزهای شرقی ایران

هدف اصلی داعش از حضور در افغانستان، رسیدن به مرزهای ایران و آسیای مرکزی است. کشورهای آسیای مرکزی مسلمان‌نشین بوده و جریان اسلام‌گرای افراطی مانند جنبش اسلامی ازبکستان و حزب اسلامی ترکستان، حزب التحریر و سایر گروه‌های افراط‌گرا زمینه مناسبی جهت پیوستن به جنگجویان داعش دارند. رسیدن داعش به کشورهای آسیای مرکزی و تقویت جبهه‌های خود در این کشورها به معنی ناامن شدن تنها منابع نفوذ و منافع روسیه به شمار می‌رود که از دوران اتحاد جماهیر شوروی باقی مانده است. این وضعیت دقیقاً در مورد ایران هم مطرح است با این تفاوت که افغانستان با منطقه حوزه نفوذ روسیه هم‌مرز است و حائل میان آن کشور و فدراسیون روسیه وجود دارد، اما همسایگی داعش با جمهوری اسلامی ایران بلافصل بوده و آسیب کشور را به نحو چشمگیری ارتقاء می‌دهد.

حضور داعش می‌تواند از طریق تقویت شکاف‌های قومی و مذهبی و نیز منازعات موجود در مناطق شرقی کشور، تحریک برخی گروه‌های قومی و مذهبی ناراضی برای اقدام ضد امنیتی یا پیوستن به نیروها افراط‌گرا در آن‌سوی مرزها، افزایش نفوذپذیری مرزهای مشترک ایران و افغانستان و تسهیل انتقال تروریست‌ها و تجهیزات موردنیاز آنان از مرز شرقی به ایران را فراهم کند که موجب افزایش هزینه‌های نظامی و آسیب‌پذیری امنیتی در شرق کشور شده و مجموعاً امنیت کشور را به شکل چشمگیری کاهش می‌دهد. در این باره می‌بایست به حلقه‌های ضعیفی از اهل سنت مناطق شرقی کشور به‌ویژه در استان سیستان و بلوچستان که میل به رفتارهای افراط‌گرایانه دارند، توجه بیشتری مبذول داشت. سه گروه تروریستی (جند الله، فرقان و جیش العدل) که خود را به اصطلاح مدافع حقوق اهل سنت و قوم بلوچی ایران اعلام کرده‌اند از حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکا و عربستان سعودی برخوردارند. پیوستن این گروه‌های تروریستی به داعش برای دریافت کمک‌های مالی دور از انتظار نیست (محمودی و ملازهی، ۱۳۸: ۱۳۹۵).

### ۳-۲-۴- توسعه نفوذ و فعالیت عربستان سعودی

حضور داعش در افغانستان و گسترش ناامنی در این کشور، فضای مساعدی برای توسعه نفوذ و فعالیت عربستان به صورت مستقیم و یا به واسطه نیروهای وابسته به خود فراهم خواهد کرد. عربستان در سال‌های اخیر و به ویژه بعد از بالاگرفتن اعتراضات در یمن و ناکامی در تسلط بر این کشور، به طور جدی به دنبال وارد کردن ضربه به جمهوری اسلامی ایران بوده است. بهترین عرصه برای تحقق این هدف، گسترش نفوذ در افغانستان و ناامن کردن این کشور برای جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است؛ چراکه یمن به عنوان حوزه نفوذ عربستان به شمار می‌رفت و این دقیقاً مانند وضعیتی است که افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران دارد؛ بنابراین، حضور داعش در افغانستان و ناامن شدن این کشور، فضای مناسبی برای تشدید این روند در اختیار عربستان سعودی قرار خواهد داد. همچنین با توجه به روابط عمیق عربستان سعودی و پاکستان، امکان وجود تحریک‌های ناامن کننده در مناطق مرزی ایران و پاکستان و نیز رخداد چالش‌هایی در روابط دو کشور همسایه بسیار محتمل است (چگنی زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

از جمله سیاست‌های عربستان سعودی درباره ایران، تنش‌زایی در مناطق اهل سنت و قومی در شرق ایران است. ممکن است با تقویت گروه‌های تروریستی ضد ایرانی در این مناطق، سیاست راهبردی‌اش مبنی بر ایجاد تضاد بین شیعه و سنی را بیش‌ازپیش عملیاتی سازد. داعش می‌تواند با جذب گروه‌های تروریستی در نزدیکی منطقه شرقی حوزه امنیت ملی ایران، مشکلاتی هرچند اندک، ولی دامنه‌دار برای ایران به وجود بیاورد. تهدید داعش در منطقه از جمله در افغانستان از دو جهت ممکن است در آینده جدی‌تر شود:

۱- تحریک تجزیه‌طلبانه قومی و ارضی؛

۲- تحریکات ایدئولوژیک، تشدید تضاد شیعه - سنی؛

### ۴-۲-۴- پیاده‌سازی الگوی عراقی - سوری (جنگ نیابتی) در شرق ایران

حضور و استمرار داعش در افغانستان، احتمالاً موجب تشدید (جنگ نیابتی) بین کشورهای منطقه خواهد شد. با ورود داعش به افغانستان دشمنان ج.ا.ایران می‌توانند یک سازمان تروریستی چندملیتی در مجاورت مرزهای ایران پایه‌ریزی کنند که آن‌ها پس از هر عملیات به قلمرو داعش گریخته و در آنجا مخفی شوند (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۱).

آنچه مسلم است داعش بخشی از جنگ نیابتی دستگاه‌های امنیتی و بین‌المللی و منطقه‌ای است و اراده این دستگاه‌ها در سیاست‌گذاری و عملکرد آتی داعش در افغانستان نیز نقشی انکارناپذیر دارد. داعش محدوده به اصطلاح خراسان بزرگ را به گونه‌ای ترسیم نموده است که با منافع آمریکا و متحدان منطقه‌اش سازگاری داشته باشد. بدین ترتیب پیش‌بینی می‌شود هر دو طرف از یکدیگر علیه دشمن مشترک بهره‌گیری کنند. ژئوپلیتیک افغانستان، جغرافیای طبیعی آن و وجود دولت-ملت ضعیف و شکننده، فضای مساعدی برای اقامت طولانی مدت گروه‌های افراط‌گرا را فراهم می‌کند. مناطق کوهستانی و صعب‌العبوری که دولت مرکزی هیچ حاکمیتی بر آن ندارد، می‌تواند برای گروه‌های افراط‌گرا فرصت مغتنمی باشد تا از فشار عملیات ضد تروریستی در امان بمانند.

#### ۵-۲-۴- نفوذ سرویس‌های امنیتی خارجی در افغانستان

از شواهد موجود چنین برمی‌آید که «سی آی ای» آمریکا، «ام آی سیکس» انگلیس و موساد رژیم صهیونیستی، بیشترین نقش را در اجرای پروژه داعش داشته‌اند. به جز ایران در هیچ کشور دیگری در منطقه توان و اراده کافی برای ورود به جنگ با داعش وجود ندارد. داعش از خارج، امنیت مرزها و با تحریک فرقه‌گرایی مذهبی، ثبات و امنیت داخلی ایران را تهدید می‌کند و راهبرد وحدت‌طلبانه و گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش می‌کشد. انتظاری رود که گسترش حضور و نفوذ نیروهای خارجی و غربی در افغانستان منجر به گسترش فعالیت سرویس‌های امنیتی خارجی در افغانستان شده که بخش قابل توجهی از آن علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان‌دهی خواهد شد. همچنین با توجه به ضعف جدی دولت افغانستان در تأمین منابع مالی خود، شاهد وابستگی بیشتر این کشور به کمک‌های مالی خارجی خواهیم بود. بدیهی است که ارائه کمک‌های مالی و سیاسی منوط به برآورده شدن مطالبات ارائه‌دهندگان خواهد بود. این مسئله موجب افزایش نفوذپذیری دولت افغانستان در قبال خواست‌ها و مطالبات کشورهای کمک‌کننده که عمدتاً رقبا و دشمنان جمهوری اسلامی ایران هستند، خواهد شد.

#### ۶-۲-۴- توسعه فقر و بیکاری در افغانستان و تبعات آن در اقتصاد و امنیت ایران

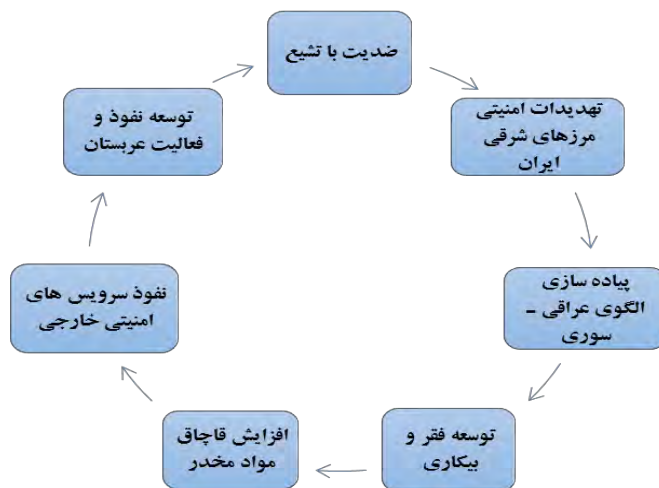
در اثر تهاجم داعش به افغانستان بی‌تردید روند توسعه اقتصادی که طی سال‌های گذشته در

این کشور شکل گرفته و پروژه‌های مهمی از جمله پروژه انتقال گاز تاپی، پروژه انتقال انرژی الکتریسیته موسوم به کاسا ۱۰۰۰ و سایر اقدامات توسعه‌ای با مشکل جدی مواجه خواهند شد. بدیهی است در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی این طرح‌ها ریسک سرمایه‌گذاری را نخواهند پذیرفت و این امر ضمن متوقف ساختن پروژه‌های مذکور، نرخ رشد اقتصادی و اشتغال را در افغانستان به شدت متأثر خواهد ساخت. طبیعی است که فقر اقتصادی و بیکاری، مناسب‌ترین زمینه برای سربازگیری گروه‌های افراط‌گرا است. در چنین فضایی سربازگیری گروه‌های افراط‌گرا از جمله داعش در افغانستان تسهیل شده و دامنه بی‌ثباتی و ناامنی به سرعت گسترش خواهد یافت. همچنین می‌تواند موجب افزایش نرخ ورود غیرقانونی کارجویان افغان به جمهوری اسلامی ایران شود.

#### ۷-۲-۴- افزایش قاچاق مواد مخدر و تهدید امنیت انسانی در ایران

با افزایش دامنه نفوذ داعش در افغانستان، این گروه تلاش خواهد کرد تا اراضی بیشتری را تحت کشت خشکاش قرار داده و یا به فرآوری مواد مخدر و قاچاق آن پردازد تا بتواند از این رهگذر بخشی از منابع مالی موردنیاز جهت اقدامات تروریستی خود را فراهم نماید. این امر می‌تواند تهدید مهمی علیه جمهوری اسلامی ایران تلقی شود، چراکه افزایش عرضه مواد مخدر قیمت آن را کاهش خواهد داد و استفاده از آن را تسهیل خواهد نمود. علاوه بر این هزینه‌های مادی و انسانی کشور در راستای مبارزه با قاچاق مواد مخدر را به نحو چشمگیری افزایش خواهد داد. همچنین به نظر می‌رسد در صورت حضور و قدرت‌گیری داعش در افغانستان، حل و فصل برخی موارد در روابط دو کشور از جمله مناسبات آبی فی‌مابین با مشکلات جدیدی مواجه خواهد شد. عدم حل و فصل این موارد علاوه بر تأثیرات زیست‌محیطی، آثار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مناطق شرق کشور خواهد داشت.





نمودار ۲؛ تأثیر حضور داعش در افغانستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

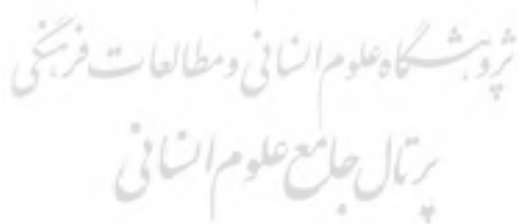
## ۵- نتیجه گیری

گروه تروریستی - تکفیری داعش که توسط کشورهای استکباری و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا ایجاد گردیده و بعضی از کشورهای مرتجع عربی به حمایت مالی و فکری آن می پردازند، با اقدامات ضد بشری از قتل عام هزاران نفر از غیرنظامیان گرفته تا فجیع ترین جنایات ممکن، همراه با سربردن و تجاوز جنسی به زنان و کودکان در کنار جنایاتی همچون، شکنجه و بدرفتاری با اسیران، مجازات های دسته جمعی، گروگان گیری، اعمال تروریستی، غارت و تخریب مکان های مذهبی نظیر مساجد، کلیساها و همچنین اماکن تاریخی - فرهنگی، بیمارستان ها و انتشار بی مهابای آن در رسانه های خبری و مجازی دنیا، نشان از توطئه ای بسیار شدید علیه دنیای اسلام توسط صهیونیست ها دارد تا در افکار عمومی جهانیان اسلام هراسی در گستره وسیع تری به نمایش درآید و مسئله فلسطین و آزادی قدس شریف از اولویت جهان اسلام خارج و به حاشیه رانده شود.

داعش پس از فعالیت های وسیع تروریستی در کشورهای سوریه و عراق، در راستای دسترسی به آسیای مرکزی نگرش ویژه ای به کشور افغانستان دارد. جغرافیای ویژه افغانستان و دسترسی به آسیای مرکزی، نیروهای آسیای مرکزی داعش که عمدتاً از کشورهای تاجیکستان و

ازبکستان و قزاقستان و ... هستند موجب توجه داعش به این حوزه شد. از طرفی کشت و قاچاق مواد مخدر به عنوان منبع مالی، جذب و سربازگیری به دلیل فقر و وضعیت بد اقتصادی افغانستان، نبود حکومت مقتدر مرکزی، وجود اختلافات قومی و مذهبی، حمایت آمریکا و عربستان سعودی از داعش در افغانستان برای تهدید امنیت جمهوری اسلامی ایران از جمله مهم ترین دلایل حضور داعش در افغانستان به شمار می آید.

ناامن شدن افغانستان با حضور داعش، تبعات گوناگونی بر امنیت ایران خواهد داشت. فراهم شدن امکان جنگ نیابتی آمریکا و عربستان سعودی در شرق ایران، نفوذ سرویس های امنیتی خارجی در افغانستان، امکان جذب گروه های تروریستی جند الله، الفرقان و جیش العدل و اقدامات مشترک تروریستی بر علیه ایران، تقویت اختلافات قومی و مذهبی در مناطق شرق کشور برخلاف رویه وحدت گرایانه جمهوری اسلامی ایران، افزایش تولید و قاچاق مواد مخدر و تهدیدات انسانی آن بر جمهوری اسلامی ایران بخشی از مهم ترین آسیب ها در حوزه امنیت ملی ایران محسوب می شود.



## منابع

- ۱- ابراهیم نژاد، محمد (۱۳۹۳). «داعش: دولت اسلامی عراق و شام»، قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البیت (ع).
- ۲- البکری، عبدالرحمن (۲۰۱۵). «داعش و مستقبل العالم»، آلمان: دارالغرباء.
- ۳- الهاشمی، هشام (۲۰۱۵). «داعش»، لندن: دارالحکمه.
- ۴- بشکنی، غلامحسین (۱۳۹۷). افغانستان، تلاقی و تباین طالبان، حکمتیار و داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، تابستان، شماره ۷۴، صفحات ۱۰۰-۶۱.
- ۵- چگنی زاده، غلامعلی و سجادپور، سید محمد کاظم و جهانبخش، محمد تقی (۱۴۰۰). «پیامدهای گسترش حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۱۳.
- ۶- پارسانیا، حمید (۱۳۷۸). «روشنفکری دینی در تاریخ معاصر ایران»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۱۷ و ۱۸.
- ۷- رادمهر، محسن و همکاران (۱۳۹۵)؛ آشنایی با جریان‌های سلفی تکفیری منطقه غرب آسیا، تهران: مرکز باقرالعلوم سپاه.
- ۸- رادمهر، محسن؛ عابدی، اکبر (۱۳۹۹). «بررسی جریان القاعده افغانستان؛ ماهیت، تبارشناسی و عقاید آن»، مقالات دو فصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، دوره ۴، شماره ۱.
- ۹- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۴). «ماهیت حقوقی داعش: دولت یا بازیگر؟»، فصلنامه دولت پژوهی، سال اول، شماره ۱.
- ۱۰- سیمبر، رضا و آذین، صدیقه (۱۳۹۸). «چالش‌های امنیتی سیستان و بلوچستان به دنبال حضور طالبان و داعش در افغانستان»، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، زمستان، شماره ۸، صفحات ۹۱-۱۳۰.
- ۱۱- قربان پور، علی؛ قربان پور، محمد (۱۳۹۷). «مفهوم امنیت ملی و نقش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تامین آن»، همایش جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی - جایزه ویژه علامه جعفری.
- ۱۲- عالیشاهی، عبدالرضا؛ تاجیک، هادی؛ فروزان، یونس (۱۳۹۶). «بررسی دلایل حضور گروهک تروریستی - تکفیری داعش در افغانستان بر اساس تئوری دومینوی ویلیام بولیت»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴۵، صفحات ۱۹۵-۱۷۳.

- ۱۳- عطوان، عبدالباری (۲۰۱۵). «الدوله الاسلامیه: الجذور، التوحش، المستقبل»، بیروت: دارالساقی.
- ۱۴- کسرائی، محمد سالار و داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۳). «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیلی جامعه‌شناختی»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۱۵- کشور، محمدعلی (۱۳۹۵). «تبیین شکل‌گیری جاهلیت مدرن در کشورهای اسلامی با رویکرد تطبیقی به دو جریان طالبان و داعش»، مشهد: همایش ملی اسلام و جاهلیت مدرن، جامعه المصطفی العالمیه (ص).
- ۱۶- محمودی، زهرا و ملازهی، پیر محمد (۱۳۹۵). «داعش در افغانستان؛ اهداف و چشم‌انداز آن»، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال اول، شماره ۱.
- ۱۷- محمدی، سعید و نوروزی، مجتبی (۱۴۰۰). «چگونگی شکل‌گیری و ممکن شدن داعش و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، دوره ۷، شماره ۲
- ۱۸- مرادیان، محسن (۱۳۸۸). «تهدید و امنیت»، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- ۱۹- مستوفی، فرید (۱۳۹۳). «داعش تیغ دو لبه»، ماهنامه گزارش، شماره ۲۶۰.
- ۲۰- مناع، هیثم (۲۰۱۵). «خلافه داعش»، کوبنهاغن: الموسسه العربیه الاروبیه للنشر.
- ۲۱- نافع، بشیر موسی (۲۰۱۴). «الظاهر السلفیه، التعددیه التنظيمیه و السياسات»، بیروت: الدارالعربیه للعلوم.
- ۲۲- نطق پور، مهدی و رضاپور، یاسر و پورآسیاب، روح الله (۱۳۹۹). «تأثیر اندیشه سیاسی سلفی - تکفیری بر ناامنی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، سال سوم، شماره ۵.
- ۲۳- هوشنگی و پاکتچی، حسین و احمد (۱۳۹۰). «بنیادگرایی و سلفیه بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی»، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

#### منابع اینترنتی

- ۲۴- امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، سید علی، بیانات رهبر انقلاب، قابل دسترس در :  
<http://farsi.khamenei.ir/speech>
- ۲۵- تارنمای تابناک، (۳۰ فروردین ۱۳۹۴). «معضل جدید افغانستان؛ انتشار داعش»، قابل دسترس در:  
<http://www.tabnak.ir/fa/news/492636>

- ۲۶- رمضانی بونش، فرزاد (۳۰ تیر ۱۳۹۴). «مهم‌ترین چالش‌های پیش روی داعش در افغانستان»، قابل دسترس در: [www.khorasanzameen.net/php/read.php?3103](http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?3103)
- ۲۷- قربانی، مصطفی (۱۱ خرداد ۱۳۹۴). «داعش چرا و چگونه راهبرد اهداف آمریکا در غرب آسیا»، پایگاه تحلیلی شاهین: قابل دسترسی در: [Http://shahina.ir32202](http://shahina.ir32202)
- ۲۸- طائی، علی (۲۴ اسفند ۱۳۹۳). «آسیای مرکزی کانون تکاپوی یارگیری داعش»، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1945331>
- ۲۹- موسوی مبلغ، سید مصطفی (۱۳۹۳). «بررسی علل نفوذ داعش در افغانستان»، قابل دسترسی در: [www.payamaftab.com/fa/article/31876](http://www.payamaftab.com/fa/article/31876)
- ۳۰- نوائی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). «داعش بازی نو، مرزهای خیالی و اهداف واقعی، خراسان زمین حوت»، قابل دسترسی در: [www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=291g](http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=291g)

#### منابع لاتین

- 31- Bjelica, Jelena (2020): New World Drug Report: Opium Production in Afghanistan Remained the Same in 2019, Afghanistan Analysts Network, Available at: <http://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/> Accessed on: 10 November 2020.
- 32- Byrne, Hannah, Krzyzaniak, John, Khan, Qasim, (2015): The Death of Mullah Omar and Rise of ISIS in Afghanistan, Institute, for the Study of War, 17 August.
- 33- Fawaz, Gerges, (2014): ISIS and the Third Wave of Jihadism, Middle East Journal, Issue 767, Vol. 113.
- 34- Gordon, Michael (2020): Islamic State Building Nests in Afghanistan, U.S. Says. New York Times, Available at: <http://www.nytimes.com/2015/12/19/world/> Accessed on 21 November 2020.
- 35- Jenkins, Brian, (2011): AL Qaeda After Bin Laden Implications for American Strategy, Subcommittee on Emerging Threats and Capabilities on June 22, 2011.
- 36- Johnson, Casey Garret, Masood Karokhail and Rahmatullah Amiri (2016): The Islamic State in Afghanistan, Available at: <http://www.usip.org/publications/> Accessed on 21 November 2020.
- 37- Katzman, Kenneth and Klyton Thomas (2017), Afghanistan: Post-Taliban-Governance, Security, and U.S. Policy, Congressional Research Service.
- 38- Visser, Steve and Popalzain, Masoud, (2016): ISIS claims Afghanistan explosion that kills dozens, CNN, July 24, 2016.